



به نام خدا

خبرنامه داخلی

انجمن حمایت از کودکان کار

تهران - مولوی، باغ فردوس، خ رئیس عبداللهی، خ شهید اردستانی، کوچه شهید احمد افتخاریان، روبروی سقاخانه

بابانوروزعلی، بن بست بی نام. شماره ۴۳

کد پستی ۱۱۶۸۹۷۳۱۶۳ تلفکس: ۵۶۰۳۲۰۵

قطره دریاست اگر با دریاست

ورنه او قطره و دریا دریاست

کوهنوردها می گویند هر گاه سختی و طولانی بودن راه شما را ناامید کرد نگاهی به پشت سر انداخته و راهی را که آمده‌اید، بنگرید. ما نیز طی یکسال گذشته علیرغم محدودیتها و کمی امکانات و با بهره‌گیری از تجارب سالهای قبل و کمکهای بی‌دریغ تمامی دوستان ضمن ترویج و تأکید بر ضرورت توجه بیشتر به رعایت حقوق کودکان بویژه کودکان کار و خیابان موفق گشته‌ایم مرکز مردمی آموزشی - حمایتی کودکان کار و خیابان را تأسیس نمائیم.

یکسال پیش دستهایمان خالی بود و هیچ نداشتیم اما تنها سرهایمان پرشور و دلهایمان پر امید بود و امروز با تکیه بر دستاوردهای گذشته با امیدی مضاعف به آینده می‌نگریم. حضور صمیمی دوستان قدیم و دوستان جدید عزم ما را جزم و ایمانمان را محکمتر نموده است و نیک می‌دانیم دوستانی بسیاری نیز در راه هستند که در آینده به ما خواهند پیوست و امید داریم با همدلی، همفکری و حمایت‌های بی‌دریغ این دوستان بتوانیم شرایط را هر روز برای کودکانمان مساعدتر گردانیم.

این روزها برای ما تداعی‌گر روزهای پرتلهاب سخت مرداد ماه ۸۱ است روزهایی که احساس ضرورت حمایت از کودکان کار و خیابان از یک سو و پاره‌ای مسائل دست و پا گیر و تنگناها از سوی دیگر ما را در گیروداری از یأس و امید فرو برده بود تا اینکه در همان روزها تصمیم به تأسیس انجمن حمایت از کودکان کار گرفتیم.

امروز یکسال از آن زمان می‌گذرد و انجمن حمایت از کودکان کار وارد دومین سال فعالیت خود می‌شود. با گذشت هر روز زوایای کار برایمان روشن‌تر گشته و هر چه پیش می‌رویم بر فراز و نشیب راهی که آغاز کرده‌ایم بیشتر واقف می‌شویم. ابعاد و گستردگی آسیبها و مشکلات این کودکان گاهی چنان ناامید کننده است که برای لحظه‌ای توان هر نوع حرکت را از آدمی باز می‌ستاند و هنگامی که به خود می‌آییم می‌بینیم جز بردباری و تلاش در جهت بهبود شرایط جامعه به نفع کودکان و ارتقاء توانمندیها و سطح زندگی آنان هیچ راه دیگری برای مقابله با این آسیبها وجود ندارد.

آموزش حق همه کودکان است.

در کنار برگزاری کلاسهای نقاشی که به منظور بروز استعدادها و خلاقیت‌های این کودکان برگزار می‌شود می‌توان به کلاسهای عروسک‌سازی، کاردستی، خیاطی و معرق اشاره کرد. همچنین هنر گلدوزی توسط یکی از دختران ۱۵ ساله به دیگر دوستانش آموزش داده می‌شود.

در اردیبهشت ماه سال ۸۲ بود که پس از تجهیز و آماده‌سازی و تدارک حداقل امکانات برای برگزاری کلاسها، با جذب و نام‌نویسی از ۲۰۰ کودک فعالیتهای انجمن شکل‌گسترده‌تری به خود گرفت. از فعالیتهایی که طی این دوره صورت گرفته است، می‌توان به برگزاری کلاسهای درس با همکاری نهضت سوادآموزی منطقه ۱۲ تهران اشاره نمود.

در این بخش تعداد ۱۵۷ کودک در ۴ نوبت درسی از ساعت ۸ صبح الی ۷ بعد از ظهر تحت آموزش رسمی سوادآموزی قرار دارند.

در کلاس‌های پیش‌دستانی نیز ۴۰ کودک زیر سن دبستان نام‌نویسی کرده‌اند که با مفاهیم اولیه یادگیری آشنا می‌گردند. از دیگر فعالیتهای بخش آموزش می‌توان به برگزاری کلاسهای سرود و موسیقی، زبان و قرآن اشاره نمود. لازم به ذکر است که در کلاسهای قرآن تعدادی از مادران نیز حضور دارند.

در دی ماه ۸۱ اولین گروه کودکان کار وارد انجمن شدند. این کودکان محروم از آموزش ضمن‌آشنائی با انجمن با اشتیاق جمع‌کوچک ما را پذیرا شدند. تنها کاری که در آن زمان توانستیم برای این جمع کوچک انجام دهیم در اختیار گذاردن خودکار و کاغذ باطله بود که آنها می‌توانستند روی آن نقاشی بکشند. اما متأسفانه آنان با قلم و کاغذ آشنا نبودند و نتوانستند حتی یک خط از خود به روی کاغذ به جا بگذارند. با تلاش و تشویق ما بود که انگیزه نقاشی کردن در آنان ایجاد شد و به ضرورت تشکیل کلاسهای نقاشی برای کودکانمان رسیدیم.

درست دهم بهمن ماه ۱۳۸۱ بود که اولین کلاس نقاشی با حضور ۹ نفر از کودکان تشکیل گردید. این کلاسها به طور منظم روزهای پنجشنبه برگزار می‌شد. اشتیاق روزافزون کودکان به حدی رسید که در فروردین ماه ۸۲ تعداد ۹۰ نفر از کلاس نقاشی استفاده می‌کردند. از بین کارهای انجام شده توسط کودکان تعدادی به منظور ارائه در نمایشگاه نقاشی کودکان کار که به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد انتخاب گردید. در این مدت اندک پیشرفت کاری بچه‌ها به حدی بود که تحسین بازدیدکنندگان نمایشگاه را برانگیخت. کلاس‌های موفق نقاشی با حضور گسترده کودکان این انجمن هر پنجشنبه منسجم و هدفمند همچنان ادامه دارد.

۲- مددکاری

«با همکاری ثمانه هاشمی»

خانواده‌های این کودکان متأثر از فقر شدید اقتصادی ناگزیر به زندگی در محیط‌های نامناسب به لحاظ فضای فیزیکی و شرایط بهداشتی می‌باشند. نبود امکانات اولیه زندگی و عدم تناسب فضای فیزیکی خانه، با تعداد افراد خانوار، تهدیدی جدی برای بهداشت روان کودک است. اعتیاد، فحشاء و بزهکاری از دیگر آسیب‌های جدی و متداولی است که امنیت

گروه مددکاری انجمن حمایت از کودکان کار در راستای اهداف حمایتی این انجمن از نخستین روزهای شکل‌گیری این نهاد با ارتباط مستمر با کودکان و خانواده‌ها، شان، در صدد رفع آسیب و توانمند کردن این کودکان بوده است. آسیب‌شناسی زندگی این کودکان در سه‌محور محیط خانواده، محیط‌محله و محیط کار قابل بررسی می‌باشد.

وضعیت کار کودکان تحت پوشش

۱۱۱ نفر از این کودکان مشغول به کار بوده که ۶۳ نفر آنان دختر و ۴۸ نفر پسر می‌باشند. متأسفانه به دلیل دور بودن محل کار پسران از خانه و انجمن حمایت از کودکان کار، این گروه کمتر توانسته‌اند از امکانات آموزشی و حمایتی موجود بهره ببرند. مشاغلی را که کودکان اشتغال دارند، می‌توان در سه بخش کلی خانه، کارگاه و خیابان برشمرد.

کودکان شاغل در خانه با وجود ساعت کاری طولانی و دستمزد اندک از آنجا که حمایت خانواده را در کنار خود دارند کمتر دچار آسیب می‌گردند.

کودکانی که در کارگاهها کار می‌کنند غالباً در معرض آسیبهای جسمی می‌باشند. ساعات طولانی کار، عدم حمایتهای قانونی، همچنین دوری از خانواده و کار با مواد زیان آور از مهمترین معضلات کار کودکان در کارگاهها می‌باشد.

گروه سوم کودکان مشغول به کار در خیابان هستند که در مقایسه با دو گروه بالا بیشتر در معرض خطرات قرار دارند.

طبیعت اینگونه کارها همچون گدائی، دستفروشی و جمع آوری زباله و کارتن، فاقد هر گونه آموزش و کسب مهارت برای کودک بوده و عموماً از سوی جامعه به دیده تحقیر نگریسته شده و عزت نفس کودک را پایمال میکند و از سوی دیگر آلودگی صوتی و محیطی همچنین وجود گروهها و افراد بزهکار محیط خیابان را برای حضور طولانی و کار کودک نا امن می‌سازد.

روانی و جسمی کودک را مورد تهیه قرار می‌دهد. جدای از محیط نامناسب خانواده محله زندگی این کودکان بسیار ناامن می‌باشد. اعتیاد بزهکاری جرائم سازمان یافته و سازمان نیافته این کودکان را در معرض انواع آسیبها و سوء استفاده‌ها قرار می‌دهد.

علاوه بر اینها کودکان کار چه آنهایی که مجبور به کار در خیابان هستند و چه آنهایی که به کار در کارگاه گمارده شده‌اند به گونه ای مضاعف مورد بهره کشی قرار می‌گیرند. کار کودک به منظور ایجاد درآمد برای خانواده صورت می‌گیرد. فقر فرهنگی اصلی‌ترین عامل محرومیت کودک از آموزش و مانعی در روند رشد طبیعی کودک می‌باشد.

کار، به عنوان فعالیتی اجتماعی به گونه ای زودرس کودک را در معرض روابط پیچیده دنیای بزرگسالان قرار داده و موجب اختلال در رشد و پرورش کودک در زمینه های عاطفی، ذهنی و رفتاری می‌گردد.

از ۲۰۰ کودک کار تحت پوشش این انجمن برای ۱۵۷ کودک فرم شناسایی مددکاری تکمیل گردیده است این تعداد شامل ۱۰۶ دختر و ۵۱ پسر می‌باشد.

بند یک ماده ۷ پیمان نامه جهانی حقوق

کودک :

تولد کودک باید بلافاصله پس از به دنیا

آمدن او ثبت شود و کودک از بدو تولد از

حق داشتن نام، حق کسب تابعیت و تا حد

امکان از حق شناختن والدین و قرار گرفتن

تحت مراقبت آنان برخوردار خواهد بود.

محل کار جنس	خانه	کارگاه	خیابان
	۳۹	۴	۲۰
دختر	۲	۱۲	۳۴
پسر	۴۱	۱۶	۵۴
جمع			۱۱۱

جدول شماره ۱

میانگین ساعات کار کودکان تحت پوشش این انجمن ۷/۵ ساعت در روز می باشد. شایان توجه است که حضور کودکان در انجمن موجب کاهش ساعات کار آنها گشته که این امر خود در راستای اهداف کوتاه مدت و میان مدت انجمن می باشد. ضمن آنکه کودکان در این ساعت از فعالیتهای آموزشی و حمایتی انجمن بهره مند بوده اند که همین سبب افزایش توانمندیها و مقاومت

آنها در برابر آسیبهای می گردد. همچنین تعداد اندکی از کودکان پس از نام نویسی در انجمن دست از کار کشیده اند. جدول توصیفی شماره ۲ نشانگر دامنه سنی کودکان تحت پوشش و تعداد کودکان مشغول به کار در هر سن می باشد. براساس داده های زیر میانگین سن شروع به کار کودکان ۷ سالگی است.

سن شروع به کار	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
تعداد	۱۰	۱۰	۲۳	۲۳	۱۱	۹	۱۵	۴	۲	۳	-	-	-	۱

جدول شماره ۲

جدول توصیفی شماره ۳ مدت زمان اشتغال هر کودک را بر حسب سال نشان می دهد میانگین سابقه اشتغال این کودکان ۲/۸ سال می باشد.

سن شروع به کار	زیر یک سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تعداد	۹	۲۸	۲۲	۲۲	۷	۹	۹	۴	-	۱

جدول شماره ۳

از دیگر فعالیتهای گروه مددکاری می توان به موارد زیر اشاره نمود.

- ارجاع ۲ کودک در شرایط بحرانی به مراکز نگهداری شبانه روزی دولتی (پسر ۳ ساله و دختر ۱۲ ساله)

- اقدام جهت بازگرداندن دو کودک ترک تحصیلی به مدرسه و پیگیری مستمر وضعیت تحصیلی آنان.

اقدام جهت گرفتن شناسنامه برای تعدادی از کودکان تحت پوشش.

پیگیری غیبتهای طولانی تعدادی از کودکان و ایجاد ارتباط با خانواده هایشان به منظور بازگرداندن این کودکان به کلاس های درس انجمن.

همچنین در بخش مددکاری کودکانی که دچار بیماری یا آسیب جسمی گشته اند با ارجاع به مراکز پزشکی مورد درمان قرار گرفته اند.

در طی این دوره بخش مددکاری موارد متعددی مشاوره با کودک و خانواده داشته است.

بند یک ماده ۶ پیمان نامه جهانی حقوق کودک
کشورهای عضو حق ذاتی تمام کودکان را برای زندگی به رسمیت می شناسند.

خوشبختانه در این بین تنها ۵ مورد شپش مشاهده گردید. شامپو ضد شپش در بین موارد مشاهده شده توزیع گردید. و آخرین خبر در این بخش آنکه در حال حاضر با تجهیز و راه اندازی اتاق بهداشت هفته ای یک روز از کودکان معاینه به عمل می آید و بیماریها شناسائی می شود.

از ۵۰۰ جلد کتاب می باشد. همچنین به پیشنهاد دوستان شورای کتاب کودک، نام کتابخانه انجمن را بامداد برگزیدیم. لازم به ذکر است که از تاریخ ۸۲/۱/۲۸ الی ۸۲/۴/۱۰ بیش از راهاندازی کتابخانه ۴۹۷ جلد کتاب به امانت داده شد، که با توجه به پائین بودن سطح سواد همچنین آشنا نبودن با مقوله کتاب و کتابخوانی، رقم قابل توجهی است. در ضمن کلاسهای قصه خوانی نیز هفته‌ای یک روز در محل انجمن برگزار می شود.

نمایش شاد کودکانه چنان تأثیری داشت که بگفته یکی از بچه ها شب خواب می بیند دوباره به دیدن این نمایش رفته و حتی نقش شنگول را بازی می کند. بازدید ۴۰ نفر از کودکان از باغ وحش تهران نیز یکی دیگر از برنامه ها بود که در تاریخ ۸۲/۴/۲۶ در راستای گردش های علمی اجراء شد.

در این بخش به منظور تأمین سلامت و ارتقاء سطح بهداشت کودکان فعالیتهای زیر صورت گرفته است. : آموزش بهداشت دهان و دندان برای تمامی بچه ها صورت گرفت که پس از این آموزش تعداد ۱۰۰ عدد مسواک و خمیر دندان در بین آنان توزیع گردید.

همچنین با همکاری تعدادی از دوستان آرایشگر طی مدت ۳ جلسه موی ۹۰ نفر از کودکان اصلاح و کوتاه شد که

۴- کتابخانه

کتابخانه انجمن حمایت از کودکان کار با مشارکت فعال کودکان در تاریخ ۸۲/۴/۴ با حضور خانمها افتخاری و قدسی از کارشناسان شورای کتاب کودک و با شرکت ۱۱۲ نفر از کودکان افتتاح گردید. طی این مراسم به ۷۲ نفر از این کودکان بر حسب شایستگی در درس و اخلاق جوایزی اهداء شد. طی این مراسم خانمها منیژه حسینی ۱۴ ساله و نیلوفر رضائی ۱۳ ساله به عنوان کتابدار انجمن انتخاب شدند که از سوی شورای کتاب کودک دوره کتابداری را گذرانده و در کتابخانه مشغول به کار شده اند. تعداد کتابهای اهدائی به انجمن بیش

۵- گردشهای علمی و تفریحی

از برنامه های انجمن در زمینه آموزشهای جنبی برگزاری گردشهای علمی و تفریحی می باشد. سهم مشارکت کودکان در اجراء و برگزاری این برنامه ها چنان بالاست که مسئولیت هماهنگی برنامه ها بر عهده تعدادی از آنان گذاشته می شود. در تاریخ ۸۲/۳/۲۴ به همت مدیریت تالار هنر تعداد ۱۶۴ نفر از کودکان از اجراء نمایش بزرگها دیدار کردند. دیدن این

من و آغوشی از باور

من و آغوشی از باور، مترسکها، هزاران نقطه تا تکرار
میان ناله‌های باد می‌رقصد دو چشم خسته از دیوار

و پاهایی برهنه، تا نهایت‌ها سفر، پوچی و تنهایی
و طرحی از دوکفش خیس، یکی در زیر باران، دیگری بردار

صدایی در نهایت باور مرثیه‌های هضم یک آغاز
تفاله می‌شود در حنجره، تاریخ گورستان این اسرار

مچاله می‌شود حسرت درون مَشتهای بی‌سرانجامت
و بغضی خیس می‌ساید گلوگاه عدالت، عشوه‌ای، تکرار

و شب در هیبت پوشالی تاریخ می‌زاید غزل‌ها را
و گهواره میان عریده‌های زمان، فریادها، انکار

سمانه حاتمی

مجموعه شعر «دیوانه‌ها زیاد می‌شوند»

گزارش نمایشگاه نقاشی

وقتی پیشنهاد برگزاری نمایشگاه نقاشی کودکان کار با همکاری نگارستان شاهد به انجمن، مورد تأیید قرار گرفت، خود را آماده تدریس در این کلاسها کردم با توجه به اینکه هیچ ذهنیتی از این بچهها نداشتم فهرستی از ابزار و وسایل مورد نیاز، در این کلاسها تهیه کرده و به انجمن ارائه دادم. ده بهمن ماه بود که قرار تشکیل اولین جلسه از کلاسهای نقاشی در انجمن گذاشته شد، این کلاسها، اولین کلاس آموزشی انجمن در این مکان بود.

صبح روز تعیین شده سر ساعت مقرر خود را به انجمن رساندم و با چیزی که انتظار نداشتم مواجه گردیدم تنها دو نفر بودیم و کلاسهای خالی دور تا دور حیاط. مات و مبهوت نگاه می کردم و خیلی زود متوجه شدم که باید خودمان پی بچهها برویم، به راه افتادیم و بعد از گذشتن از کوچه پس کوچههای دروازه غار و خانه به خانه رفتن اولین روز از کلاسهای نقاشی با تعداد ۹ نفر از شاگردان تشکیل شده. از آن روز به بعد، هر هفته پنجشنبهها بچهها در مقاطع سنی مختلف از ۴ سال گرفته تا ۱۴ سال اعم از پسر و دختر، با وسایل ابزاری که انجمن در اختیارشان قرار داده بود با شور و شوقی وصف ناپذیر در کلاسها حاضر می شدند، تجربه و بچهها با آگاهی از اینکه قرار است آثارشان در نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شود مشتاقانه به کار خود ادامه می دادند. بعد از ۱۱ جلسه، بچهها ابزار و وسایل مختلف را تجربه کرده و آثاری را خلق کردند که قابل ارائه در نمایشگاه بود. با توجه

به فضای کوچک نمایشگاه تعدادی از نقاشی ها را گزینش کرده و با همکاری اعضای انجمن، کارها قاب و در محل نمایشگاه نصب شد، و بالاخره این نمایشگاه در روز ۱۳ اردیبهشت، به مناسبت روز جهانی کارگر، افتتاح گردید که تا ۲۳ اردیبهشت ماه ادامه داشت، این نمایشگاه نظر بازدیدکنندگان بسیاری از نهادهای دولتی، انجمن های غیردولتی و عموم مردم را به خود جلب نمود، تعدادی از نقاشی ها به نفع انجمن به فروش رسید گزارش نمایشگاه از چهار شبکه صدا و سیما تهیه و پخش گردید همچنین چندین روزنامه و هفته نامه از این نمایشگاه گزارش تهیه کردند.

در طول برگزاری نمایشگاه کودکان تحت پوشش انجمن در گروههای مختلف از آثار در نمایشگاه خود دیدن کردند. از اهداف برگزاری این نمایشگاه آشنا نمودن مردم با فعالیت های انجمن حمایت از کودکان کار و وارد نمودن این کودکان به عرصه فرهنگی و هنری و تشویق آنان و ایجاد احساس مسئولیت در آنها، بود.

کلاسهای نقاشی همچنان با شرکت گسترده کودکان به فعالیت خود ادامه می دهد

به امید آشکار شدن خلاقیت های نهفته کودکان کار

حمیده وطنی

با کودکان کار دیروز

گفتگو با کودکان کار دیروز به مثابه تاریخ شفاهی به ما این فرصت را می‌دهد که بتوانیم ضمن بازشناسی و معرفی ریشه های تاریخی این پدیده به تفاوت شرایط کار کودکان در گذشته و حال بپردازیم، هر چند از محرومیت، مشقت، تحقیر و خشونت می‌توان به عنوان وجوه اشتراک زندگی کودکان کار در گذشته و حال نام برد، اما بر کسی پوشیده نیست که پیدایش کلان شهرها، رشد مهاجرت و حاشیه نشینی، بحران هویت، رشد اختلاف طبقاتی و جاذبه های زندگی شهری در کنار رشد اعتیاد، فحشا و بزهکاری، این کودکان را با آسیب ها و مشکلات جدی تر مواجه ساخته که در گذشته کمتر با آن روبرو بودند.

بسیار انسانهای گمنامی که تمامی دوران کودکی را کار کرده اند ولی شدت آسیب ها و محرومیت ها طومار زندگی آنها را در هم پیچیده و از دست رفته اند، و چه بسیاری دیگر که اکنون شرایط دشوار و تاسف بار دوران میانسالی یا سالخوردگی خود را سپری می کنند. در این میان هستند کودکان کار دیروز که در سایه کار و تلاش و با تاثیر پذیری از شرایط پیرامونی و آموزه های مثبت همچون پولاد آبدیده شده و از میان تیرگیها برآمده و روشنی بخش پیرامون خود گشته اند.

در این شماره به گفتگو با «رضا فراهانی» کودک کار دیروز و یکی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط تهران و از فعالین اجتماعی - کارگری امروز نشستیم.

که به بازار بروم، به من هم سر می‌زد. کارفرمایم آدم متدینی بود و از اینکه من سر وقت نماز می‌خواندم و ظهرها به مسجد می‌رفتم خیلی خوشش می‌آمد و در ماههای محرم و رمضان به من اجازه می‌داد که سخنرانی سلطان‌الواعظین شیرازی را هم گوش کنم. پیرمرد خوبی بود.

تابستانها کار ما کمی سخت‌تر بود کشاورزان ایوانکی به تهران می‌آمدند و خریزه هاشان را می‌فروختند و با پول آن برای زمستان که سر جالیز کار می‌کردند پالتو ماهوت سفارش می‌دادند در نتیجه کارفرمای من وسط تابستان پالتوی ضخیم می‌دوخت. زمانی که آستین کوچک می‌کرد یا اپل می‌زد یک پارچه پشمی خیلی سنگین روی پایش بود و چاق هم بود و پنکه سقفی هم نمی‌توانست خنکش کند و من با یک بادبزن بزرگ او را باد می‌زدم با این حال او شرشر عرق می‌ریخت. من، هم دوستش داشتم و هم از این کار خجالت می‌کشیدم بعد به توصیه دوستانم که گفتند کار اینجا درجه ۳ است و تو باید در یک خیاطی درجه ۱ کار کنی به خیاطی دیگری معرفی شدم.

کارفرمای جدیدم هر شب ۵ ریال به من می‌داد که با آن زغال بخرم و می‌گفت من ساعت ۸ صبح که می‌آیم باید اتو داغ باشد. در زمستان ساعت ۸ صبح از خانه‌مان که در دولاب بود تا خیابان ری رفتن و زغال خریدن و اتو داغ کردن برای یک بچه ۱۲-۱۱ ساله کار سختی بود. هوا سرد بود و من سردر گریبان می‌رفتم بهمین دلیل صندوق پستی را که سر راهم بود نمی‌دیدم و آن صندوق با کله من خیلی رفاقت کرد و مرتب

خانواده‌ام خانواده‌ای فرهنگی بود و مادرم خیلی علاقه داشت که من درس بخوانم از اینرو من در ۶-۵ سالگی در روستا خواندن و نوشتن را یاد گرفته بودم و بخشی از کتابهایی را که می‌خواندم از حفظ بودم. پدرم کدخدا بود و مراجعه کننده زیاد داشت و من در مجالسی که در منزل دور کرسی داشتیم کتاب را بدون غلط می‌خواندم و روخوانی خیلی خوبی داشتم.^۱ پسر همسایه‌مان که درسخوان بود می‌گفت با این استعدادی که تو داری می‌توانی جهشی درس بخوانی و خودم هم این آرزو را داشتم.

یکی از آشنایانمان خیاط موفق بود و از این راه ثروتی اندوخته بود. پدرم آرزویش این بود که من مثل و خیاط شوم. در ۸ سالگی به تهران آمدم. برادرهایم اصرار داشتند من درس بخوانم اما پدرم می‌گفت از همین سوزن انگشتانه می‌تواند به ثروت حسابی بررسی البته مشکلات مالی هم بی‌تأثیر نبود

از همان سن در یک خیاط شروع به کار کردم. تا دو سال همانجا بودم. و همسرش چون فرزندی نداشتند به من علاقه زیادی پیدا کرده بودند و من کارهای خانه‌شان را هم انجام می‌دادم. در آنجا کار کردن با سوزن انگشتانه را یاد گرفتم. بعد محل کارم را عوض کردم و در میدان شاه (قیام) مشغول بکار شدم. پدرم که در آن زمان خیلی پیر بود و دوره‌گردی می‌کرد و استکان و نعلبکی می‌فروخت. وقتی از میدان شاه رد می‌شد

^۱ - بعدها که به تهران آمدم.

به آن می‌خوردم. علاوه بر آن پس‌گردنی‌هایی که بخاطر دیرشدن اتو از صاحب کارم می‌خوردم خیلی وحشتناک بود. یک بار به خاطر زغال نریختن و دیرجنبیدن مشتی بر دهانم زد که انگشترش باعث شد یکی از دندان‌هایم سرپراند و ردیف دندانها جلویم لق شود طوری که نمی‌توانستم مسواک بزنم چون تمام بدنم رعشه می‌گرفت.

فضای کارگاهی که در آن کار می‌کردیم کوچک بود و دو میز کار بیشتر نداشت. برای جلوگیری از پخش شدن خرده‌پنبه‌ها، آنها را داخل یکی از میزها می‌ریخت میز قوطی‌مانندی بود که از ۳ طرف بسته بود او مرا داخل میز می‌فرستاد و به من می‌گفت بروم داخل آن و با پنبه‌های خرد اُپل درست کنم. اگر اپلی که درست می‌کردم خوب و صاف در نمی‌آمد می‌گفت خودت یقه‌ات را بزن عقب. اگر نمی‌زدم با خط‌کش بدجوری می‌زد. یقه‌ام را می‌زدم عقب و وقتی پس‌گردنی می‌زد پیشانی‌ام می‌خورد به موزائیک. می‌گفت وقتی سوزن می‌زنی، سوزن باید از دو لایه مویی و پارچه‌ای رد بشود و به نوک انگشتت بخورد و برگردد اما از آن طرف یقه هیچ نخ‌پیدا نباشد. این کار سوزن زدن بایستی خیلی ظریف انجام می‌شد و از این بابت هم پس‌گردنی‌های سختی می‌خوردم، گرچه وقتی محل کارم را عوض کردم و به لاله‌زار رفتم این مهارت در سوزن زدن مرا بین وردستها استثنایی کرده بود.

تحقیرها و پس‌گردنی‌ها یک امر عمومی و طبیعی بود. اما رفتارهای ناهنجار کسبه و تحقیر لهجه‌ها و بیکاری تابستانها و هراس از گرسنگی خیلی لطمه روحی می‌زد.

ما شاگرد خیاطها چند مرحله حسرت داشتیم. بطور کلی عمده‌ترین محرومیت کودک کار محرومیت از بازی است و زمانی که نیاز به بازی دارد آن نیاز برطرف نمی‌شود و او حسرت به دل می‌ماند. دیگر این که ما عید و چهارشنبه سوری را نمی‌فهمیدیم.

آن زمان خیاطی‌ها، شخصی دوزی بود ما شاگرد خیاطها شب عید اغلب کار می‌کردیم و سرمان شلوغ بود. شب چهارشنبه‌سوری بچه‌ها مرتب ترقه می‌زدند و دنبال هم می‌کردند و قاشق‌زنی و ... اما ما نمی‌توانستیم سرمان را از کار بلند کنیم. چشمهای قرمز شب کار کرده، مرتب سوزن زده و نگران اینکه الان فلان مشتری می‌آید و به فلان مشتری بدقولی کرده‌ایم و ... و چهارشنبه سوری اینطوری می‌گذشت. شب عید هم همیشه کار عقب بود.

در ۸ سالگی اولین عیدی که در تهران بودیم پدرم کت و شلوار نخی سرمه‌ای با راه‌راه‌های زرد که خیلی تابلو بود برایم خریده بود. پدرم به تصور اینکه این کت و شلوار ۶-۷ سال عمر خواهد کرد آن را خیلی بزرگتر گرفته بود. مادرم شلوار را کمی سروسامان داده بود ولی آستینهای کت ۳ بار تا خورد تا دستم پیدا شد.

در مسیری که به سمت کارم می‌رفتم همه نگاهم می‌کردند و من ذوق می‌کردم که لباس تازه‌ام جلب توجه کرده است. کارفرمایم برای تمام کردن کارهای عقب افتاده ۳ نفر کمکی گرفته بود و به محل کارم که رسیدم با خنده و قهقهه آنان روبرو شدم و حسابی مرا دست انداختند. آن لباس ۲ ماه بیشتر دوام نیاورد چون پارچه‌اش ارزان‌قیمت بود اما آن تحقیر و تمسخر یکی از زخمهایی بود که تا همین الان هم مانده.

در هر صورت این وضعیتی بود که ما در محیط داشتیم هم روی لهجه و هم روی انطباق با فرهنگ شهری که آن زمان تهرانی و دهاتی خیلی جدی مطرح بود.

یکی از چیزهایی که همیشه من را رنج می‌داد آرزوی مدرسه رفتن و تحصیل کردن بود، بچه‌ها را که از مدرسه می‌آمدند می‌دیدم روحم پرواز می‌کرد، از آنها می‌پرسیدم مدرسه چه جور جایی است؟ کلاسهاچطورند؟ ...

من که در ۵ سالگی خواندن و نوشتن را یادگرفته بودم و روخوانی‌ام در ۶ سالگی طوری بود که همه دوست داشتند برایشان کتاب بخوانم حالا در خیاطی بودم و آن تحقیرها را تحمل می‌کردم و در حسرت مدرسه رفتن به بچه‌ها نگاه می‌کردم.

فکر می‌کنم آمار استعدادهایی که به خاطر فقر نابود شده‌اند خیلی دردناک باشد. خیلی‌ها آنجایی که باید می‌بودند، نیستند. من هنوز هم اگر کلاسی باشد روحم برایش پرواز می‌کند. یکی از دوستانم دانشجوی دکتر لطفعلی صورتگر بود یادام است که یکی دو بار در کلاس درسش حاضر شدم. دوستم گفت تا استاد دانشجوها را نشناخته می‌توانی سر کلاس بیایی. آن روز برایم روز خیلی زیبایی بود که استاد آن بالا صحبت می‌کرد و من گوش می‌کردم و این آرزو که ای کاش دانشجو بودم و آن هم دانشجوی ادبیات دردی بود که همیشه برایم باقی ماند.

گزارش مالی

با قدردانی از یکایک همیاران و همراهان به آگاهی می رساند همانگونه که در صورتحساب، سود و زیان و ترازنامه آزمایشی انجمن آمده است، طی این دوره علاوه بر پرداخت هزینه‌های جاری، و تقویت بنیه مالی توانسته‌ایم بدهی‌های انجمن را نیز به میزان قابل توجهی کاهش دهیم.

صورتحساب سود و زیان

برای دوره مالی منتهی به ۸۲/۵/۱۲

درآمد

ریال	۱۱۰'۰۰۰'۵۲۲	جمع کمک‌های مردمی دریافتی
		کسر می‌شود:
ریال	۲۸'۶۳۹'۰۰۰	کل هزینه‌های انجام شده طی دوره
		مانده:
ریال	۸۱'۳۶۱'۵۲۲	(نقل به حساب سرمایه)

ترازنامه آزمایشی

برای دوره منتهی به ۸۲/۵/۱۲

دارایی‌ها:

ساختمان انجمن	۴۹۵'۰۰۰'۰۰۰	مانده بدهی‌های وام بانکی	۶۷'۰۰۰'۰۰۰
تجهیزات و لوازم اداری	۱۰'۷۴۸'۳۲۲	اسناد پرداختنی	۸۵'۸۲۰'۰۰۰
سپرده وام بانکی	۶۸'۴۰۰'۰۰۰	بستانکاران	۳۰۹'۶۰۰'۰۰۰
دارائی جاری:		سرمایه	۱۲۳'۵۳۴'۰۲۲
موجودی حساب تنخواه گردان	۳'۲۰۵'۵۰۰	ابتدای دوره	۴۲'۱۷۲'۵۰۰
موجودی حساب ۷'۰۹۵ بانک سپه	۸'۶۰۰'۲۰۰	افزایش طی دوره	۸۱'۳۶۱'۵۲۲
	<u>۵۸۵'۹۵۴'۰۲۲</u>		<u>۵۸۵'۹۵۴'۰۲۲</u>

بر اساس گزارش جهانی سازمان ملل متحد دلالتان محبت و قاچاقچیان انسان، کودک را در سنین ۹، ۱۰ یا یازده سالگی به مواد مخدر استنشاقی یا آدامس یا شکلات حاوی بنزین معتاد می کنند.

– کودکانی که فروخته می شوند یا به سرقت می روند

هنگامی که نیلا ۱۴ سال داشت، ناپدری اش او را از دهکده شان از نقاط دورافتاده نپال به حومه کاتماندو، پایتخت این کشور برد تا او در کارگاه فرش بافی ای مشغول به کار شود.

چند ماه بعد یکی از کارگران مذکر و جوان کارگاه به نیلا پیشنهاد کرد به همراه او به کارگاه دیگری برود که شرایط کاری و دستمزد بهتری دارد. او موافقت کرد و به همراه ناپدری، دوستش و آن مرد جوان راهی کارگاه مورد نظر شد.

پس از سفری شش روزه با اتوبوس به شهر بمبئی رسیدند. در آنجا او به یک معبد برده شد و به دو زن میانسال معرفی شد که او را به منزلی بردند که ۱۶ یا ۱۷ دختر جوان روی زمین خوابیده بودند.

او به اتاقی برده شد که سه ماه در آنجا محصور و زندانی بود و ناچار بود آموزش های خاصی که به او داده می شد را فرا گیرد. در پایان این دوره سه ماهه به او گفته شد مبلغ پانصد دلار خریداری شده است و برای بازپرداخت این مبلغ باید خودفروشی کند.

نیلا جوان ترین دختر در جمع آنانی بود که در آن خانه نگاهداری می شدند. هر چند او هرگز مورد ضرب و شتم قرار نگرفت، اما بارها شاهد تنبیه فیزیکی بی رحمانه دخترانی بود که سعی می کردند بگریزند تا آنجا که از دهان آنها خون جاری می شد.

پس از حدود یکماه اقامت در خانه فساد، نیلا در یورش پلیس به این محل بازداشت شد و سپس به یکی از خانه های حمایتی مخصوص نوجوانان منتقل شد، در آنجا و پس از آزمایش های پزشکی مشخص شد به ایدز مبتلا شده است. او که احساس شرمساری می کرد تصمیم گرفت از یافتن خانواده خود چشم پوشد و در همان خانه حمایتی اقامت گیرد.

بر اساس گزارش های دیده بان حقوق بشر، ده درصد از ۹۰۰ هزار کودکی که در صنعت فرش نپال مشغول به کار هستند در واقع، ربوده شده اند. این در حالی است که ۵۰ درصد دیگر از این کودکان مستقیماً توسط والدین شان فروخته شده اند. برخی از آنها روزها در کارگاهها تولید فرش کار می کنند و شبها در اماکن فساد به خدمت گرفته می شوند.

نهادهای بین المللی از قاچاق گسترده و روزافزون کودکان و سوء استفاده از آنان ابراز نگرانی می کنند. در یکی از گزارش های دیده بان حقوق بشر به کلمبیا اشاره شده است، آنجا که تعداد زیادی کودک و نوجوان کم سن و سال خریداری شده و به اماکن فساد عرضه می شوند. در حالی که بخشی از آنها در شرایطی برده وار به عنوان خدمتکار خانگی یا کارگر ساختمانی به کار گرفته می شوند. دیگرانی هم هستند که با زور به پیوستن به گروه های تکدی گر وادار می شوند.

در یکی از گزارشات مؤسسات مبارزه با برده داری آمده است، کودکان بین ۸ تا ۱۵ ساله به خدمت گرفته شده یا از روستاهای دور دست کشورهای فقیر آفریقایی مثل بنین و توگو ربوده می شوند و به عنوان برده به خانواده ها، مالکان مزارع و صاحبان اماکن فساد در کشورهای مجاور از جمله نیجریه و گابن فروخته می شوند.

این معضل در جنوب و مرکز آمریکا هم دست کمی از آفریقا ندارد جایی که گروه های بزرگی از کودکان خیابانی شکاری سهل و ساده برای قاچاقچیان انسان هستند.

در شیلی رابطه نزدیکی بین اعتیاد به مواد مخدر و تن فروشی وجود دارد. بر اساس گزارش جهانی سازمان ملل متحد دلالتان محبت و قاچاقچیان انسان، کودک را در سنین ۹، ۱۰ یا یازده سالگی به مواد مخدر استنشاقی یا آدامس یا شکلات حاوی بنزین معتاد می کنند. سپس این کودکان معتاد چون برده ای عبد و ذلیل در خدمت مالکانشان خواهند بود.

ماخذ:

روزنامه یاس نو، شماره ۱۰۸، سه شنبه ۲۴ تیر ۸۲، صفحه اجتماعی، به نقل از سیاست روابط عمومی سازمان ملل متحد.



در انگلستان کارفرمایان گاهی کودکان را برای کار در کارخانه اجیر می کردند این تصویر در سال ۱۸۵۰ به وسیله هنرمندی ناشناس برای اعتراض به کار کردن کودکان در کارخانه ها تهیه شده است.

نشانی گیرنده :